

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام
سلب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومی (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
تهران خیابان لاله زار
تلیب مدیر میرزا سید حسن کشتانی
محمد آرزو زهای جسمه همه روز
قیمت و توزیع میثود

یومی

کَمَلَاتِ

۱۳۱۱

تهران

قیمت اشتراك سالانه

تهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روبه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

دو طهر ان يكصد دینار

سایر بلاد ایران سه شاهی است

اعلان سطرى دو قران است

(روزنامه یومی ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(باعتنا قبول و درانتشارش اداره آزادامت و مطبعا مترجم می شود)

دوشنبه ۲۷ صفر ۱۳۳۶ هجری قمری ۱۰ فروردین ماه جلالی و ۳۰ مارس ۱۹۰۸ میلادی

(اجرای قانون)

تمام بزرگیها و اقتدارات که دولتی را حاصل شود و کلیه سلطت و اختیارات که ملتی را دست دهد در تحت همین دو گانه است هر عزت و شوکتی که تصور شود هر تشخص و تقاضی که در خیال آید برای هیچ دولت و ملتی حاصل نخواهد شد مگر از برکت این دو گانه هرگز دولتی از حیض ذلت و زوال بیرون عزت و اقبال صعود نماید مگر بیکه قوانین موضوعه مملکت خود را بموقع اجرا گذارد و بر طبق آن رفتار نماید هیچ ملتی با در دایره تمدن و ترقی ننگارده مگر با اجرای قانون هرگز مملکتی از خرابی و ویرانی ایمن نشود و بجز آبادانی در نیاید مگر آنکه خلق آن مملکت علی السوم از روی قوانین مقررده مملعه شود و در حق تمام افراد بلسویه قانون مملکتی جاری باشد بدون اجرای قانون نه دین نه دولت نه ملة نه مملکت بحال است که باید از ضعف و انحطاط و خرابی تبت و نابود نکرده آیت این مطلب هیچ لازم بستند از اخبار و آیت و شواهد تاریخی نیست عقل هر متفکری حکم می کند و حق هر فی وجدانی فتوا می دهد که ببنی اجرای قانون ممکن نیست انتظام جمعی دست دهد و بویست میبشت فراهم آید و امنیت که منشاء تمام ترقیات حاصل شود تا چه رسد به تشکیل و دوام دولت و بقا و استحکام اساس ملیة این مطلب نیز بخوبی بر همه واضح است که در هیچ جای دنیا و در هیچ زمانی قانون بنقشه مقید فایده و منفرد نمی نبوده اینهمه ترقیات عبر التمول و کراماتی که از قانون بروز می کند موقوف باحرالت است نه وضع و تمدن آن قانون القوانین ما که قرالت و کتب آسمانیت و واضح آن ذات اقدس

احدیت است اگر مجری نداشت هرگز خود قرآن نمیتوانست حلقه بزیر بار تکالیف خود آورده و مجبور باحکام خود نماید و مطیع اوامر و نواهی خود فرماید و مریضا بدین اسلام دعوت کند و هم چنین مجری ان با اینکه از جانب حق بود اگر تفاوتی مابین افراد می گذشت و ملاحظه خویش و بیگانه و آشنا و غریب می کرد و در اجرای احکام قرانی تعلل و مسامحه روا می داشت ممکن نبود که اینگونه نفوذ کلمه یابد و بسط شریعت دهد که از پشت دروازه چین تا کنار دریای خزر قانونش تواج و احکامش مطاع باشد تمام ترقیات دین مبین و تعالی که حقه نبود مگر از برکت اجرای احکام قران در وقت که احکام الهی مجری داشت شوکت مسلمین و آبادی ممالک اسلامی محمود خلق جهان و رشک باغ جنت بود و بیگانگان از سطوتشان آرام نداشتند امروز که قران عربی میان ما افتاده و احکامش را پس پشت افتاده ایم و معروض در بین مسلمانان منکر و منکرش معروف گشته اینگونه خوار و ذلیل عالم شده ایم و از آنچه داشتیم عد بیکس بجانمانده و ما ادعای مسلمانی هیچ خود را بابت باحکام قرانی نمیدانیم نه ظلم را بدی دانیم نه با خلق بیعت و رفتار می کنیم نه از دروغ پرهیز داریم نه بندگی را محض بخدا می شماریم نه بحق خود راضی می شویم نه از ظلم جلوگیری می کنیم اینست که مستحق همین ذلت استند ایم بلکه بدتر همین قران در انوقت که احکامش مجری داشت و تمیز بین افراد نمیکداشت کسی قدرت تحق و عدم پیروی نمیکرد بر فرض هم که می کرد فوراً حکم خدا در بارمان جاری بود خویشی و ملاحظه در کار نبود چنانکه خلیفه دوم پسر خود را بواسطه شرب

خمر حد زد و قانون خدا را معطل نگذاشت و امروز همان کلام خداست که بواسطه نداشتن مجری و غفلة از احکامش هیچ افعال قبیحی نمانده که در بین مسلمانان شایع نشده باشد و هیچ اعمال حسنه نیست که ترک نکند باشند کاتب مصادر امور و رجال ما بقدر خلیفه دوم بودند می دانستند که تعطیل قانون باعث ویرانی ملک و پریشانی رعیه است کاتب رؤسای ما بقدر کسانی که در باطن مخالف قرآن بودند مددک داشتند می فهمیدند که از برای حفظ شرف و مقام بزرگی و ریاست دنیوی باید قانون را اجرا داشت و ملاحظه در کار نیارود یک دزد را دهنه توپ گذاشتن و یکدزد را خلعت و حکومت بخشیدن و بر جان و مال مسلمانان تسلط دادن نتیجه اش خرابی دنیا و آخرت و نمراتش ویرانی ملک و در بدری رعیه و در برابر اجانب قبول همه قسم خواری و مذلت غرض آنست که قانون وقتی ملاحظه را باعلا درجه عزت و سعادت مبرساند که بدون استتار بر طبق اجرا گذاشته شده شود چیزی که فقط دول متمدنه را از حقیض بسنی وز وایای کنسای باوج وقت رسائیده و بر کرسی عظمت نشاندند همانا اجرای قانونست که هر کدام در مملکت خود مناسب حال و طبیعت ملة خویش قوانینی بد یا خوب وضع کرده و بمقام اجرا گذاشتند پس از اینقد مات خاطر و کلاه محترم و عموم فائزندان و خیر خواهان دولت و ملة خاصه انجمنهای ملی و که حفظ وطن مقدس و نگهداری اسلام از حضرات اجانب بعهده اهتمامات مردانه و توجهات غیرتمندانه آنهاست بدین نکته جلب می کنیم که لفظ مشروطیه بلکه جمهوریت هرگز حافظ حقوق ملة و باعث ارتقاء دولت نتواند بود تبدیل استبداد بشروطه اسماطمینان ابدی مملکت و آسایش ملة نخواهد داد. همینکه کفایت مادی سلطنت مشروطه شده ایم نمیتوانیم شاخ و شاخ دیو سفید رژیم و کله بلکه سام زیمان گویم اسم مشروطیه و داشتن پارلمان ما را از تطاول اجانب و تعدیات بیگانگان نجات نخواهد داد فرضاً که تمام قوانین دنیا را جمع کرده و ترجمه ناقص یا کامل نموده طبع و نشر نمایم و قبیله اجرا در عقبش نباشد جز تعطیل وقت و امرار عمر به بیهوده عمری نخواهد بخشید مشروطیه و مجلس وقتی منشأ ترقیات خواهد شد و تا مین استقلال دولت و ملة را تواند نمود که قوانین لازمه مملکت وضع و بمقام اجرا آید یکرم هزار کروڑ مواد قانونی وضع و مودن شد و بوزارت عدلیه مثلاً سپرده شد وقتی که احقاق حق مظلوم می نشد و حق عارضی پایمال گشت یا مقصر و خانی پس از ثبوت تقصیر مجازات تعدید یا در حق اشخاص فرقی گذاشت چه حاصل از آن قانون؟ چه فائده از آن عدلیه؟ هم چنین سایر ادا رات و

کلیه قوانین چه از وزارت داخله و خارجه چه معارف و نظام و غیره پس قانون وقتی ثمر می دهد که بموقع اجرا آید — دوره مشروطیه ما با استبداد بواسطه عدم اجرای قانون ابتدا فرقی نکرده بلکه بدتر شده زیرا که مجریان قانون یعنی رؤسای ادارات چون مامور برخلاف طبیعت می باشند و قانون را فقط میل و اراده مبارک خود می دانسته اند لهذا بسی دشوار است عمل کردن ایشان برخلاف میل و طبیعت خود و حتی المقدور هم نخواهند کرد بلکه هر چه و سرچ شدت یافته و خلق از سختی بتک آیند و از جهالی که دارند این بدبختی را از مشروطیه دانند شاید بمراد دل و آرزوی خود نائل شوند و این ملاحظات دور و دراز و سو دای خام هرگز تن بکار نمی دهند و بشکر نظم مملکت و اجرای قانون نمی افتند چنانچه می بینیم در این دو سال مشروطیه یک بند قانون بموقع اجرا نیامده و در هیچ کاری ملاحظه عمل بر طبق قانون یا لا اقل از روی صلاح و مصلحت نبوده غلط گفتیم در این دو سال یک قانون در این مملکت اجرا شده الحمد لله که آرزوی اجرای قانون را بکور نبردیم و دیدیم که چون مطابق اصل شست و سیم قانون اساسی لقب وزارت افتخاری بکلی موقوفست وزیر مخصوص صاحب اختیار شد و وزیر همیون قائم مقام غیر از این دیگر چیزی ندیده و نشنیدیم اینهم که بکاو و کوسفند کسی ضرر و منفعتی ندارد و عوض این یکی هزار خلاف قانون دیدیم پار سال که انجمنها در بهارستان متحصن و متمم قانون اساسی را گرفتند خلق در کال خرمی بکمان آنکه فقط بد داشتن این چند ورقه حالا دیگر چون برق و باد رو بترقی می روند و از تمام مخاطرات خارجه و داخله راحت شدند باید از این به بعد دیگر اسوده خوابید ناغل از آنکه امروز اول کار است که باید عموم ملة مراقبت تامی داشته باشند بر اجرای قانون و موانع را بکلی دفع نمایند هیچ سلطان هیچ حجة الاسلامی هیچ وزیر و وکیل را در حرکت برخلاف قانون مجاز ندانند و باید بجهد هر چه تمامتر قانون وزارتخانهها و ادارات را بخواهند و کال مواظبت را در اجرای آن داشته باشند نگذارند یک حکم خلاف قانون از هیچ مصدری صادر شود ملنی را در شمار ملک چه عالم در آورند که جان و مال خود را قربان اجرای قانون دانسته و در وقت لزوم خون خود را نثار کنند و گرنه همان از آزادی اسی شوند و از مشروطیه نتیجه برعکس بینند ترقی از برای ملنی دست بدهد که در مملکتشان ابتدا حکمی برخلاف قانون جاری نشود و با تمام قوا تا آخرین قطره خون خود در حفظ و اجرای قانون حاضر باشند تا چگونه میتوانیم قافله عقب مانده خود را در این مراحل خطرناک که در هر قدمش هزار دام کسترده و پیر فرسخت

۴۰ قرآن

۴۵ قرآن

۱۰ منات

۳۰ فرانک

سخه

دینار

شاهی است

قرآن است



خود قرآن

رده و مجبور

خود فرماید

چنین مجری

مابین افراد

اشنا و غریب

مساحه روا

باید و بسط

در بای خزر

قیات دین

جرای احکام

شست شوکت

جهان و رشک

روام نداشتند

امش رایس

فان منکر و

عالم شده ایم

های مسلمانی

را بدی دانیم

برهیزداریم

خود راضی

که مستحق

انوقت که

اشت کسی

که می کرد

و ملاحظه

سطه شرب

هزاران رهن و دزد کین کرده بدون قائد قانون وقافه سالار اجرا بنزل مقصود برسایم و خود را از هجوم اجانب و مخاطرات بیگانگان این دایم بخدا که با انحال استقلال ما رفتی است و ملت ما محوشدن اجانب ما را با انحال نخواهند گذاشت و بهزار بهانه عزت و شرف و بزرگی و همه چیز ما را بیتال خواهند کرد و کیل ملة پرست محترم دارالشوری در مسئله پروتست ایرانیان همسایگان در خصوص تقسیم وطن عزیز و اعتنا نمودن بر رضایت صاحب خانه می فرماید برای آنست که داد و فریاد ما را در رد آن معاهده گویا همسایگان نشنیده اند و ما باید صدای خود را خیلی بلند کرده و همه معلوم کنیم که ما ملتی هستیم زنده و هیچ کس بدون اذن ماحق تصرف در خاک ما ندارد . بسیار فرمایش متینی است ولی افسوس که در ما از قوه نیست که صدای ما را بمسمع علیان برساند و بیگانگان را از بیداری ما خبر کند و بدبختانه هیچ دو فکر آن نیستیم که قوه بخود داده و قدرتی حاصل کنیم تا جوهر صدای ما اطراف و اکناف علما احاطه کند و کوش خلق عالم بشنود و هرگز دارای چنین صدای رسائی نخواهیم شد مگر آنکه کمال مراقبت را در اجرای قوانین مملکتی داشته باشیم و هر کاری را از مجرای صحیحش داخل شویم و بر اعمال و افعال رؤسا و بزرگان و ادارات مملکتی نظارت نامی برعهده خود واجب شماریم و بسختی و شدت در صدد وضع و اجرای قانون برآیم و این نظارت تکلیفی است بر عموم ملة خاصه بر انجمنها که قدر وقت عزیز خود را دانسته و از اجتماعات خود فائده بعموم خلق اراغه دهند و بفضل اول نظامنامه خود که عبارت است از همراهی با مشروطیت و حمایت مجلس مقدس و مطابق آن بقران قسم یاد کرده اند و غرض اصلی از تشکیل انجمن همانست رفتار نمایند و قسم خوردنشان مثل قسم خوردن وزرا و رجال نباشد و بدانند که همراهی با مشروطیت نظارت بر قانون و اجرای آنست و کلا را در وضع قانون و وزرا را در اجرای آن با کمال سختی تضییق نمایند امروز هر شرفی که ملة ایران را دست دهد و هر افتخاری که حاصل شود از برکت همین مجامع ملی و انجمنهای محترم است که هوادار آزادی و ترقیخواه دولت و ملة شناخته شده اند و اگر خدای نکرده هم سختی رو دهد و لطمه باین ملک و ملة خورد محض تسامح و غفلت ایشانست از وظیفه خود و ما در آئینه بعضی از مطالب مهمه را پیش نهاد خاطر انجمنهای محترم مینایم و امیدواریم که پس از درک و دقت آنچه را که مقتضی و مصلحت دانند معمول دارند در اینجا بهمین قدر قناعت می کنیم که خاطر وکلای محترما مسبوق نمایند بر اینکه در مملکتی که سی کرور نفوس زنده دارد و اغلب

انها با اداره عدلیه طرف گفتگو و محاکمه اند و روزی صد نفر و بانصد نفر را در همین شهر وزارت عدلیه محل حاجت و رجوعت شایسته نیست که قانون متوفیات خوانده شود و حواس صرف جزئیات کرده یک روز قرائت از لایحه این و یکروز شکایت از تعدی فلان فرمائید باین وقت کمی که برای خود قرار داده اید تا شما کار مرد ها را درست کنید زندها از دست در رفته اند خوبست الا هم قلاهم را همیشه منظور داشته و ادارات را معطل نگذارید (خلاصه مذاکرات دار الشورای شنبه ۲۵ صفر) در خصوص اداره تنقیش تذکره مذاکره شده صورت تصویب وزارت امور خارجه و وزیر مالیه در لزوم تشکیل اداره و بطور مقاطعه بودن قرائت شد مذاکره و مباحثه زیاد شد در اینکه بطور مقاطعه باشد بهتر است یا اینکه اداره شود بعد از مذاکرات اخذ رأی گردید اکثریت آراء بر این شد که اداره باشد و سالی سی و دو هزار تومان دولت برای مخارج اداره و مواجب اجزاء بدهد

اظهار شد که خوبست قانون عدلیه قرائت شود گفته شد که حفته آیه

در خصوص مسامحه نمودن وزرا از دادن پروگرام خوردن اظهار و تعرض بر رئیس الوزرا شده که مسامحه می نمایند و کلیه وزرا و وکلا را استهزا و تمسخر می کنند هیچ برای اجرای قوانین مشروطیه حاضر نیستند بعضی اظهار داشتند که ملایمت و مسامت و اتحاد بهتر اسباب پیشرفت کار است

در خصوص روز نامه مساوات و تعرضات او بر وکلا و سایر طبقات از وزرا و علما و غیره اظهار شد و از افساد و القأ شبهه و فتنه بعضی از ناطقین تعرض شده که ملة کون این صدا ها را نخورند و دنبال این نروند که می خواهند اشاره فتنه و فساد در مملکت نمایند ماجبا و پناه گاهی برای مردم باقی نگذارند این حرکت حرکت استبداد و تحریک مستبدین است که بشکلها و لباسهای مختلف بروز می کند

گفته شد که این مسائل نباید در مجلس مذاکره شود با وزیر علوم است که بعد از خواستن رسیدگی کرده در صورت تقصیر و خیانت مجازات بدهند با بودن قانون انطباعات و وزارت علوم حق مجلس عنوان این مذاکرات نیست اظهار شد که تقصیر از وکلا است که استدعای ملة را قبول نکرده تبعید شش نفر اشرار و مفسد شیراز را خارج از وظیفه مجلس دانست روز نامه مساوات هم حق دارد که بنویسد چون مذاکرات ظاهرا منجر بخروج از تکالیف و وظائف مجلس می شد رئیس برخواست مجلس

بر هم خورد

مجدداً بعد از چند دقیقه وکلا جمع شده با حضور نایب رئیس مجلس منعقد گردید و اظهار شد که مباحثات و اعتراضات وکلا با هم دیگر دلیل بر کدورت باطنی یا ظالمی ایشان از هم دیگر نیست زیرا که مشاوره لازمهاش مشاجره و مباحثه و اختلاف دو آواست و مردم کان نکند که خدا نخواست اختلافی بین وکلا است و در اینگونه موارد هم شخص رئیس بملاحظه اینکه مشاجره متبسی بسوء عبارات نشود حق دارد که بر خیزد و مجلس را بر هم بزند و ابد این مسائل قابل مذاکره و مباحثه نیست (مجلس ختم شد)

مکتوب از قزوین

خدمت مدیر جریده جبل المتین یومیه - مقاله در نامه مقدسه شماره ۲۴۳ درج فرموده اید که مشتمل است بر ذم عموم مجاهدین محترم آذربایجان و حال آنکه بقای مشروطیت در ایران الی کنون بانفاق عموم صاحبان حس و وجدان بواسطه جانفشانیهای مجاهدین محترم آذربایجان است و در شماره ۲۴۴ نامه مقدسه عریضه بامضای چند نفر بمجهول الحال درج فرموده اید که صریحاً ذم مجاهدین محترم قزوین و جناب آقا میرزا حسن رئیس المجاهدین را نموده و عموم مجاهدین محترم را الواط واراذل شمرده اند مستدعی آنکه در روزنامه مقدسه مشروطه خواهان و هواخواهان مجلس قدس را معین فرمائید تا عموم ملت بدانند حال مجاهدین تبریز و قزوین و آنکه معرفی فرمودید استدعای دیگر آنکه پنج نفریکه عریضه مندرجه را امضاء نموده اند خدمت جناب آقای آقا میرزا حسین طیب وکیل محترم قزوین معرفی فرمائید تا صادق و کاذب تمیز داده شود حاجی شیخ مهدی نائینی مقیم قزوین (خادم وطن)

اترلی بتاريخ ۱۴ شهر صفر ۱۳۲۶

اخبارات و جرایدی که در این بندر کوچک اترلی بمصرف می رسد فهرست او را باداره می نویسم تا سایر نقاط مملکت یعنی آنهایکه در بند مطالعه جراید می نیستند بر خوردار بوده بدانند که مطالعه و خریداری جراید ملی یک بر صد اطلاعات آدم را زیاد می کند (این است فهرست جراید ملی که در اترلی بمصرف می رود) جراید مقدسه جبل المتین هفتگی کلکته (۳۰ نسخه) یومیه طهران (۷۵ عدد) . صور اسرافیل (۷۵ عدد) مساوات ۳۰ عدد الی (۴۰) . روح القدس ۲۰ الی (۳۰ عدد) . رهنا (۱۰ عدد) . تشویق (۱۰ عدد) . آذر با بجان (۲۰ عدد) . دعوة الاسلام (۱۰ عدد) آینه غیب نما (۲۵ عدد) تمدن (۱۵ الی ۲۰ عدد) صبح صادق (۵ عدد) خورشید (۵ عدد) جراید

اصفهان از هر جهة (۱۵ عدد) . عراق عجم (۸ عدد) جریده مجلس (ده عدد) . ندای وطن (۵ الی ۱۰ عدد) محاکمات (۵ عدد) . کنگول (۲۰ عدد) . انجمن تبریز در سابق ۸۰ عدد بوده بعد خیلی تنزل کرده است متفرقه از هر جهة (۲۰ عدد) جمع کل - ۵۲۳ عدد امروزه عن التخمین علاوه از بانصد عدد جراید ملی پای تخت و غیره در اترلی بمصرف فروش می رود سایر شهرهای ایران غیر از پای تخت بدیهی است ده مقابل اترلی طالب باید و خریدار داشته باشند بعضی اطلاع عرض شد عجلتاً اترلی حکومت ندارد ماله شها غناه تفرمین کرده اند خیابان و کوچها و کدر شهر را گردش کرده مراقب هستند بعضی از مردمان شریر هم وقت راغنیمة دانسته خانها را در روز و شب آتش می زنند تا کنون مرتکبین را نتوانسته اند معین کنند انشا الله کرفشار خواهند شد (ابوزر)

ترجمه تکرافات خارجه

وزیر مالیه انگلیس در شهر اولاهم نطق مشروعی در ترقی بی اندازه تجارت انگلستان نموده و اظهار داشتند که با وجود ترقی قیمت اجناس و امنه و با وجود کمی پول یکمدرسی دستگاه کارخانه نساجی در مدت سه سال گذشته در انگلستان بنا و تأسیس شده سرمایه که بمصرف ساختن آنها رسیده پانزده میلیون لیره میشود (صد و پنجاه کرور) ویست و پنجاه هزار نفر از این ممر معاش برده مشغول کارند حریق عظیمی در اسلامبول واقع شده و تمام محله یهودانرا سوزانیده است که سه هزار نفر ویلان و یحانمان شده اند و وجه اعانه جمع آوری و بانها تسلیم میشود

(اعلان)

دو عدد مهتری که يك حلقه انكشتر المان در جمع آن بوده از مال این بنده حاجی علی اکبر خان معتمد الممالک اترلی امروز دوم حل پیچی نبل سنه ۱۳۲۶ کم شده یکی سچمش معتمد الملك علی اکبر و دیگری کوچک تر از آن علی اکبر بود لهذا از حال تحریر بمعوم عرض و اعلان می نماید هر آینه هر سندی یا هر قبالة یا هر خطی باین مهرها بدون امضای دستی بنده در هر جا بیرون و ادعائی بشود لز درجه اعتبار ساقط است و ابد قبول نخواهد شد و هم چنان مهرهای تازه بنده هم که بتاريخ هذه السه خواهد بود بدون خط و امضای دستی بنده باشد پذیرفته نخواهد شد و بی اعتبار است

(اخطار)

بواسطه شهادت حضرت مجتبی از یوم سه شنبه ۲۸ اداره تعطیل است مشترکین محترم یوم شنبه منتظر باشند (حسن الجسینی الکاشانی)